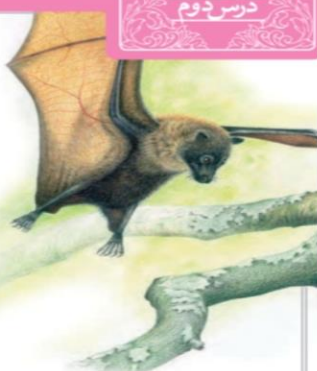


خوب، جهان را ببین!

۲
درس دوم

اگر اندیشه‌ات را به‌کارگیری تا
بتوانی به راز آفرینش پی ببری، دلالی
روشن به تو خواهد گفت که آفریننده
مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت
بزرگ خراست.



از شگفتی‌های آفرینش خالق
پی همتا، اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن
خفاشان است. روشنی روز که همه
چیز را می‌کشاید، چشمانشان را می‌بندد؛ زرد خفاش از حرکت در نور درخشان
نا توان است و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، چشمان آنها را باز
می‌کند؛ پس او در روز، پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها می‌اندازد و شب را چونان
چراغی برمی‌گزیند تا در پرتو تاریکی آن، روزی خود را جست‌وجو کند.
پروردگار، بال‌هایی برای پرواز آنها آفرید، لکن بال‌ها همانند لاله‌ها
کوش‌اند؛ پی‌بر و بدون رگ‌های اصلی، اما تو جای رگ‌ها و نشانه‌ها.

و بینی؛ بال‌هایی که، نه آن قدر نازک هستند که در هم بشکنند و نه چندان محکم
ملینی کنند. در حالی که فرزندانشان به آنها چسبیده‌اند، پرواز می‌کنند. فرزندان از
مادرانشان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندامشان نیرومند شود و بال‌ها، قدرت پرواز
آوردن پیدا کند و بدانند که راه زندگی کردن کدام است.
اکنون اگر می‌خواهی، در مورد شگفتی آفرینش ملخ، سخن بگو که خدا برای او دو
چشم سرخ و دو حدقه، چنان ماه تابان آفرید، و به او گوش پنهان، و دهانی متناسب
اندامش بخشید. ملخ، حواسی نیرومند و دو دندان پیشین دارد که گیاهان را می‌چیند و دو
پای داس‌مانند که اشیاء را برمی‌دارد. کشاورزان از ملخ‌ها می‌ترسند و قدرت دفع آنها
را ندارند؛ حتی اگر همه متحد شوند، ملخ‌ها، نیرومندان وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل
دارند، می‌خورند؛ در حالی که تمام اندامشان، به اندازه یک انگشت باریک نیست.
به مورچه و کوچکی جبهه آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک
نمی‌شود. نگاه کن چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش
می‌کند. او دانه‌ها را به لانه خود می‌برد و در جایگاه ویژه، نگه می‌دارد و در فصل گرما برای
خوراک زمستان می‌کوشد. اگر اندیشه کنی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد!
از شگفت انگیزترین پرندگان در آفرینش، طاووس است که خداوند آن را
استوارترین شکل بیافرید؛ با بال‌های زیبا که پرهاى آن به روی یکدیگر انباشته.

بی‌همتا: بی‌ماند، یکتا، بی‌مثل / اسرار: جمع سر، رازها

حکیمانه: عالمانه، از روی دانایی / چوخان: مانند

پرتو: نور، روشنائی / تابان: درخشان

این بال همانند لاله‌های کوش‌اند: تشبیه

حدقه: کاسه چشم، مردمک چشم

متناسب: به اندازه

دوپای داس‌مانند: تشبیه / دفع: راندن، دور کردن

جبهه: اندام، پیکر / عظمت: بزرگی

دو چشم و دو حدقه چوخان ماه تابان: تشبیه

آن که آن را چونان پتری کشوده است که طاووس آن را بر سر خود سایبان می سازد؛
 جلی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است. اگر رنگ های پرهای طاووس را
 به رویدنی های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: «دسته گلی است که از شکوفه های رنگارنگ
 گل های بهاری فراهم آمده است»، و اگر آن را با پارچه های پوشیدنی همانند سازی،
 چون پارچه های زیبای بر نقش و نگار است. پرهای طاووس، چونان برگ خزان دیده،
 می ریزد و دوباره می روید تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای
 گذشته خود را بازیابد. اگر در تماشای یکی از پرهای
 طاووس دقت کنی، ملاحظه ای به سرخی گل، و ملاحظه ای
 دیگر به سبزی و گاه به زردی زرناب، جلوه می کند.
 بر فراز گردن طاووس، به جای یال، کاکلی
 سبز رنگ و بر نقش و نگار رویده است. در اطراف
 گردنش، گویا چادری سیاه افکنده، پنداری با رنگ سبز
 تند می در هم آمیخته که در کنار شکاف گوشش، جلوه خاصی
 دارد. کمتر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در
 اندامش نداشته باشد.



نهج البلاغه، بخش خطبه ها

دم کشیده اش که آن را چونان پتری کشوده است. **تشبیه**

کونی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است. **تشبیه**

پرهای طاووس مانند دسته گل است. **تشبیه**

پرهای طاووس چونان پارچه ای بر نقش و نگار است. **تشبیه**

زرناب: **طلای خالص** / برافراشته: **بلند کرده**

خزان: **پاییز** / جلوه: **ظاهر، پیدایی** / فراز: **بلندی**

راستی کس نمی داند که در فصل بهار از کجا گردیدار، این همه نقش و محار؟

معنی: به راستی هیچ کس نمی داند که در فصل بهار این همه نقش و محار زیبا «گل ها و سبزه ها» از کجا پیدا شود.

پدیدار: آشکار، عیان نقش و نگار: تصاویر

عقل ها، حیران شود که خاک تاریک نشد چون برآید این همه گل های نازک کار

معنی: عقل انسان شگفت زده می شود که چگونه از خاک تیره ی سرد و بی روح این همه گل های سرخ زیبای روید.

حیران: متعجب، سرگشته نغز: خوب، نیکو

نژند: تیره، غمگین، سرد کامکار: خوشبخت، دلپسند

چون نرسی کاین تماشیل از کجا آمد پدید؟ چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

معنی: چرا خودت نمی نرسی و پرسو بجوئی کنی که این همه شکل و تصویر از کجا پیدا شود.

تماثیل: شکل، تصویر

برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه؟ ابر از هجر که می گریه بدین سان زار زار؟

معنی: برق بخاطر شور و اشتاق چه کسی این گونه قاه قاه میخندد؟ ابر از دوری چه کسی این گونه زار زار گریه می کند.

شوق، هجر: تضاد

کیست آن صورتگر ما هر که بی تقلید غیر این همه صورت برد بر صفحه هستی به کار؟

معنی: آن نقاش ما هر چه کسی است که بدون تقلید از دیگری این همه نقش و نگار بر صفحه روزگار و جهان نقاشی کرده است.

صورتگر: نقاش، آفریننده

آرایه های ادبی

تشبیه: یعنی مانند کردن چیزی یا کسی به چیز یا کسی دیگر. تشبیه یعنی ادعای همانندی میان دو یا چند چیز.

ارکان تشبیه: مشبه / مشبه به / ادات تشبیه / وجه شبه

مشبه: چیزی که قصد مانند کردن آن را داریم / مشبه به: چیزی که مشبه به آن مانند می شود / ادات تشبیه: کلمه ای که میانگر رابطه شباهت است. / وجه شبه: صفت یا ویژگی

مشترک بین مشبه و مشبه به

مهمترین ادات تشبیه عبارتند از: مثل، مانند، چو، چون، همچون، بر مثال، بشوید، بسان، بگردان، برسان، مانند، می ماند، و....

نکته: پسوند‌های شباهت هم مانند ادوات تشبیه معنای شباهت و پهناندی را می‌رسانند. **مهمترین پسوند‌های شباهت عبارتند از:** (سا، آسا، وار، وش، کون، کونه، نما، فام، صفت)

گل + کون = گلگون (مانند گل) / مه + سا = مسا (مانند ماه) / مه + وش = موش (مانند ماه) / صدف + وار = صدف‌وار (مانند صدف)

ترتیب پیدا کردن تشبیه: الف: ادوات تشبیه / ب: مشبیه / ج: مشبه / د: وجه شبه

مادمانند فرشته‌ای مهربان است. ادوات تشبیه: **مانند** / مشبیه: **فرشته** / مشبه: **مادر** / وجه شبه: **مهربان**

ایام گل چو **عمر** بر رفق **شتاب کرد** / ساقی به دور باد **گلگون** شتاب کن

چو: ادوات تشبیه / عمر: مشبیه / گل: مشبه / بر رفق شتاب کرد: وجه شبه

کاهی اوقات برخی از ارکان تشبیه حذف می‌شود.

مثال: حقیقت لاغرک می‌ش که قربانی است. **حقیقت**: مشبه / **یش**: مشبیه / **قربانی**: وجه شبه / ادوات تشبیه محذوف است.

دلت به چون سنگ است / دل: مشبه / **به چون**: ادوات تشبیه / **سنگ**: مشبیه / وجه شبه محذوف است

قصیده: قالب شعری است که در آن **مصرع اول** با **همه مصرع های زوج هم قافیه** است. موضوع قصیده **مدح و ستایش و توصیف** است. مشهورترین قصیده سرایان فارسی: **سعدی**، **حافظی**، **ناصر خسرو**.....

\$

\$

\$

\$

\$

\$

قائمی شیرازی: میرزا حبیب شیرازی متخلص به «**قائمی**» از شاعران دوره قاجار است. هنر او در قصیده سرایی و انتخاب و اثرکان خوش آهنگ و توصیف های نیکو است. وی کتاب «**پریشان**» را به شیوه **کلمات سعدی** نوشت. آراگاه او در شری است.



نبح البلاغه: **گزیده نامه** و **خطبه ها و سخنان** و **کلمات قصار** امیرالمؤمنان حضرت علی است. که عالم بزرگ شیعه **سید رضی** را گردآوری کرده است.

فارسی هشتم درس سوم

علی براتی دبیر ادبیات فارسی شهرستان الیگودرز

فصل دوم

شکفتن

موضوع درس: قدردانستن جوانان و نوجوانان از سرزمین ایران و همچنین قدردانی از بزرگان.

نکته: اندرزی و تعلیمی همراه با هنک و کشی که غرور ملی را برمی انگیزاند و سخن حماسی که مربوط به شجاعت و دلاوری است.

نوع نثر: سرود که در آن لغات یگانه کتری وجود دارد.

سربه هم آورده دیدم برگ های غنچه را اجتماع دوستان یک دلم آمد به یاد

اجتماع : جمع شدن

سر به هم آورده : در کنار هم قرار گرفتن ، جمع شدن / یکدل : کنایه از صمیمی بودن

معنی : وقتی که برگ های غنچه را در کنار یکدیگر دیدم ، به یاد جمع دوستان صمیمی و یکدل خود افتادم.

صائب تبریزی : میرزا علی محمد، وی در اصفهان به دنیا آمد. از شاعران دوره صفویه است. اشعار در قالب غزل، ثوبی، قصیده است.





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد